

سرارنست بار کر

و

«سلطنت مشروطه انگلستان»

سرارنست بار کر یکی از مبرزترین نویسندگان است که در باب مسائل متنوع و مختلف مخصوصاً در مسائل تاریخ و علوم سیاسی و مشروطیت انگلستان تألیفات دارد.

وی در سال ۱۸۷۴ متولد شده و بنا بر این شاهد بسیاری از تغییرات و تحولات سطحی و بارة تغییرات و تبدلات اساسی در حیات اجتماعی انگلستان بوده است. بدو آبهنوان دانشجویی بدانشکده بالیول (Balliol) در اوکسفورد رفت و در سال ۱۹۰۰ بدرجهٔ ام - ا (M.A) مفتخر گردید، از آن پس سرارنست بار کر از چندین دانشگاه از جمله چهار دانشگاه اوکسفورد - کمبریج - ادینبورو - هاروارد باخذ درجاتی نائل شد و در حوزه‌های تدریس دانشگاه‌ها مقام یافت و از جمله بست استادی کمبریج و اوکسفورد منصوب شد. هفت سال متادها از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۷ رئیس دانشکده کینگ (King) لندن بود و از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۹ ست استادی علوم سیاسی رادر کمبریج داشت.

امروز سرارنست بار کر علاوه بر آنکه در چندین کمیتهٔ مربوط بتجدید امور بعد از جنگ خدمت میکند، ریاست کمیونی رادارد که وزیرای فرهنگ دول متفق آنرا بدین منظوری ایجاد کرده‌اند که پس از پایان جنگ بکشورهائی که از جنگ دشمن آزاده شده است کتب و مجلات و جرائد بفرستند.

تألیفات او زیاد و زبانزد خاص و عام است. مؤلف در طی نگارش این کتب ارتباط معنوی دقیق و روشنی را که میان ادوار گذشته و حال موجود است با کمال صراحت حلاجی میکند و آن عناصری را که در حیات سیاسی و ملی بصورت عناصری دائمی و زوال ناپذیر مدلل شده است با دقت و موشکافی می‌سنجد و تقویم میکند. او بموضوع منش ملی یا واضحتر بگوئیم در باب قوه‌ای که مایهٔ تمام افکار و اعمال سیاسی است علاقه و اشتیاق زیادی دارد و بهمین جهت هم در سال ۱۹۲۷ دو این باب کتابی بچاپ رسانده است.

در میان سایر تألیفات او کتاب (اولیور کرومولو ملت انگلیس) مخصوصاً امروز اهمیت و اعتبار زیادی دارد زیرا این کتاب دربارهٔ تنها حکومت دیکتاتوری که تاکنون در انگلستان بوجود آمده است بحث میکند. اثر دیگر او کتاب «انتخاب شهرنشین» است که در ۱۹۳۷ بچاپ رسید. دیگر (عقاید و کمال مطلوب امپراطوری بریتانیا) است که در ۱۹۴۱ چاپ شده و حقیقهٔ همانطور که از عنوانش برمیآید در باب عقاید و کمال مطلوب امپراطوری بریتانیا بطرز فوق‌العاده عالی و برمفز، مطالب را می‌پروراند. اثر مهم این شخص کتابی است موسوم به (مباحثاتی در بارهٔ حکومت) که در ۱۹۴۲ طبع شده است و در این کتاب مؤلف سعی می‌کند عقاید مختلفه ای را که دربارهٔ حکومت گفته

شده و هنوز معتبر است بایکدیگر مقایسه کند و بعد بکشور خود و عقاید مختلفه ای که خودش در باب حکومت داردمی پردازد . اجمالاً میتوان عقیده ای را که مؤلف دارد اینطور بیان کرد : « مقام آزادی ... بزرگتر است از آسایش ، چه آزادی امریست که با روحیات سر و کار دارد و پایه و اساس و اوضاع و احوال تمام ارزشهاست . »
و این همان عبارتی است که در یکی از تألیفات اولیه اش بنام (فرضیه سیاسی یونان) ظاهر شده بود . (۱)

اینک مطالبی از کتاب (سلطنت مشروطه انگلستان) :

« حکومت سلطنتی ما از یک دوره متوالی یعنی از یک هزار و صد سال پیش از زمان سلطنت یکی از شاهان قدیمه موسوم به اگبرت (Egbert) که در سال ۸۲۹ تمام انگلستان را تحت لوای خود در آورد آغاز میگردد . در تمام این مدت ، با استثناء فاصله قلیل بازده سال از ۱۶۴۹ تا ۱۶۶۰ که اولیور کرومول ریاست جمهور را داشت سلسله متوالی و وقفه ناپذیری از پادشاهان بر ما حکومت کردند . مقام سلطنت کهن ترو باستانی تر از پارلمان ماست که مینا و اساسش در هشتاد سال قبل در قرن سیزدهم ریخته شد و مقام سلنت قدیمی تر از دادگاههای قضائی ماست که بنیانش هشتاد سال قبل در قرن دوازدهم افکنده شد و همچنین مقام سلطنت کهن تر از کهن ترین و قدیمی تر از قدیمی ترین دانشگاههای ماست . در واقع این سلسله و رشته متوالی دوره و دراز بسیار شایان توجه است که مثلاً جورج ششم در ۱۹۴۳ میتواند سلسله نسب و اعقاب خود را به اگبرت (Egbert) پادشاه باستانی سال ۸۲۹ برساند . در این رشته و سلسله نسب بعضی مواقع مقام سلطنت به اناث رسیده ولی در هیچ موردی نیست که این سلسله مستقیم نسب منحرف شده باشد . امروزه در اروپا فقط و فقط دستگاه روحانی باقی است که از لحاظ قدمت بر سلطنت ما پیشی دارد . وقتی متوجه میشویم که دستگاه سلطنت مادر چنین ادواری چطور مسلسل و متوالی بوده است بی اختیار این فکر بخاطرمان خطور میکند که رشته حیات ملی مادر طی قرون آینده همین سان مسلسل و متوالی خواهد بود و در آن وقفه ای راه نخواهد یافت . این فکر طرق مختلفه سیاست و بنای اجتماع ما را استوار و از خواب و خیالهای انقلابی و تغییرات مهیج و زننده جلوگیری میکند . ممکن است تصور کنند که با این ترتیب سازمانی بوجود میآید محافظه کار و حال آنکه چنین نیست ، و این اجتماع را با اجتماع محافظه کاری فرقی است . وجود چنین اجتماعی نمیتواند مانع حدوث تغییرات و تبدلات شود . برعکس چنین اجتماعی بحدوث تغییرات کمک میکند و آن را با میل میپذیرد و بالنتیجه چنین اجتماعی در تکامل خود تغییر و تبدیل میدهد . این است علت و سبب دوره طولی حیات و بقای چنین اجتماعی ، چنین اجتماعی زنده و جاوید میماند زیرا تغییر کرده است ، چنین اجتماعی بایداروبر قرار میماند زیرا با گذشتن زمانه تغییر میپذیرد و پیش میرود . چنین اجتماعی باقی مانده است زیرا در این دو بیست و پنجاه سال اخیر یعنی از آنوقتی که آخرین مرتبه در امور داخلی مملکت اختلال روی داد ، و ما این اختلال را « انقلاب سال ۱۶۸۸ » میخوانیم ، تا با امروز پادشاهان ما آنقدر عاقل بوده اند که خطاهای کنند را فراموش کنند و بندهای نومی فرا بگیرند و با گذشتن زمانه در وضع و رفتارشان در (بقیه در ص ۱۸)

« ۱۶ » مقدمه کتاب سلطنت مشروطه انگلستان

(بقیه از ص ۱۵) تغییر بدهند و در تبدیل سایر شئون اجتماعی با آحاد رعیت هم‌رأی و هم‌آهنگ بشوند، مثلاً در عرض قرن هجدهم، پادشاهان ما وضو و رفتارشان را تغییر دادند تا با تکامل روش هیئت و وزرای مملکت و قدرت نخست وزیری کشور سازگار و موافق باشد. در ظرف دو قرن نوزده و بیست، پادشاهان ما برای تغییر و تبدیل سایر شئون اجتماعی با افراد و آحاد رعیت هم‌رأی شدند و در تصویب قانون رفورم ۱۸۳۲ کوشیدند. بموجب این قانون بود که مجلس مامه‌مابیش از پیش بصورت یک مجلس دمرکراسی درآمد و همچنین پادشاهان مادر تصویب قانون پارلمان ۱۹۱۱ سمی بلینی مبذول داشتند که بر اثر آن مجلس اعیان ما کمتر بتواند با مقاصد مجلس عامه مخالفت کند و یا جلوی انجام مقاصد مجلس عامه را بگیرد. در ۱۸۳۲ و ۱۹۱۱ پادشاهان ما طرفدار و هواخواه سیاست و دسته‌بندی نشده‌اند و بعضی نپیوستند که بنای رقابت و همسری با حزب دیگری را بگذارند. البته چنین شیوه ای هم کمک با اصلاحات و پذیرفتن تغییرات و تبدیلات نمی‌کرد. پادشاهان ما در آن ادوار کاری کردند غیر از این و به از این. عبارت دیگر فقط از حقوق غیر مدون ملی مایروی و اطاعت کردند که تأکید می‌کنند قدرت و اقتدار پادشاه باید بر طبق اراده ملت اعمال بشود در چنین مواردی، پادشاهان ما، مافوق حزب و دسته قرار گرفتند و مواظب حال ملت بودند و وقتی که اراده ملت بر این قرار گرفت که در شئون اجتماعی تغییری داده شود، آنوقت با افراد ملت موافق و هم‌رأی شدند.

حال بی‌مورد نیست که تکامل سلطنت انگلستان را در ظرف دو بیست و پنجاه سال از انقلاب ۱۶۸۸ مورد بررسی و بحث قرار بدهیم چه این خود درسی است در فن محفوظ و مصون داشتن دستگاه سلطنت. در آغاز قرن هفدهم پادشاهان ما علاوه بر اقتدار و عنوان سلطنت بر ملت حکمروایی می‌کردند، هم پادشاه بودند و هم فرمانروا. درست است که آنوقت پادشاهان، وزراء و راجزنها می‌داشتند ولی ملزم نبودند هر چه این وزراء یا راجزنها می‌گویند اجرا کنند. پادشاهان در اداره امور تصمیم قطعی و نهایی را وابسته بیل و اراده مطلق شاهانه خود میدانستند. قانون زندگی آنست که بموجب آن کسی که تصمیم قطعی و نهایی را می‌گیرد می‌بایست مسؤول باشد و مسؤول هم خواهد بود. اساساً مسؤلیت وقتی بگردن شخص شاه می‌افتد که در یک جامعه عقیده عمومی مؤثر باشد و آن عقیده عمومی برای این قرار بگیرد که نه تنها در امور قضاوت بکند بلکه در قضاوت نیز با فشاری نماید. در میان ملت ما از سه قرن پیش چنین عقیده مؤثر ملی بوجود آمده بود. اما مادام که پادشاه هنوز خودش در امور تصمیم قطعی اتخاذ می‌کرد و در این مورد میان او و ملت اختلاف روی میداد و ملت این سیاست را از خود نمیدانست تنها طریقی که ملت میتواند عقیده خودش را بکرسی بنشانند این بود که بشورد و طغیان بکند و با انقلاب راه بیندازد. در قرن هفدهم ملت هر دو این طریق را بسجاک تجربه و امتحان زد. در ۱۶۴۲ ملت بر چارلز اول شورید و در ۱۶۸۸ بر ضد جیمز دوم انقلاب کرد. مسئله توارث سلطنت بوسیله انقلاب ۱۶۸۸ تغییر کرد و علاوه قضیه بهین جا ختم نشد. بر اثر این انقلاب قانہ نی بسیار مهمی تدوین گردید بنام قانون حقوق و اختیارات سلطنت «Bill of Rights» که از این پس حدود اختیارات پادشاه را در اتخاذ تصمیم مشخص و معلوم می‌کرد. از اینجا بی‌عده میشود (بقیه در ص ۳۱)

تذکر لازم

تکرار این مطلب شاید زاید باشد که ماهنامه پیکار مردان تنها یک نشریه علمی و ادبی و تاریخی است و با جهان خارج از علم و ادب هیچگونه میانه و ارتباطی ندارد. باین ترتیب از نویسندگان گرامی که برای مجله مقاله میفرستند خواهش است که از مواضع فوق در نگذرند تا آثار آنان برای ماهنامه قابل درج باشد مخصوصاً خوانا و در یک رویه صفحه نوشتن را کاملاً ملحوظ نظر قرار دهند



مدیر مسئول: رحیمی

نشانی قم خیابان ارم - تلفن ۶۵۷
تک شماره ۶ ریال

اشتراک

یکساله ۶۰ و شش ماهه ۳۵ ریال
نشانی چاپخانه قم - خیابان حضرتی

(بقیه از ص ۱۸) سلطنت انگلستان را سلطنت محدود نام نهاد و اگر بخاطر بیاوریم که حدود اختیارات پادشاه در سندی موافق اراده ملت تعریف یافته بود چنانچه از این دوره بیحد رادوره سلطنت مشروطه بعنوانیم.

هنوز از این مطلب نمیتوان گذشت زیرا اهمیت زیادی برای این انقلاب ۱۶۸۸ قائل هستیم. راه حلی که از این انقلاب بدست آمد راه حل قطعی و نهایی نبود چه راه حلی که هنوز برای پادشاه در اتخاذ تصمیم حدود و اختیاراتی قائل شده بود برای منازعاتی هم که بر سر آن حدود و اختیارات روی میداد مجال و مهیدانی داده بود. پیش از اینکه برای این مسائل که مابین کشمکش و جاد و جنجال قرن هفدهم بود راه حل قطعی و نهایی پیدا بشود کشف امری ضروری بود. این امر با بشناو ساده بود اما مدتها طول کشید تا کشف شد. راه حل نهایی امری با اموری را نمیتوان یکدفعه پیدا کرد و هیچ سندی نیست که بتنهائی تمامی امور را پیش بینی کرده باشد. این امریست که بتدریج پیش میرود و کامل میشود، عبارت اخیر یا بزبانی دقیقتر و واضحتر این مسائل بر اثر آزمایشها و تجارب مختلف پیدا میشود. بهمین نحو ملت انگلیس برای مسائل سلطنت راه حلی پیدا کرد. این راه حل در ظرف قرن هجدهم تدریجاً پیدا شد و بالنتیجه وقتی که پیت (Pitt) جوان در ۱۷۸۳ رئیس الوزرای مملکت شد و در ظرف هجده سال بعد هم با تمام هیجانها و هیاهوهای انقلاب کبیر فرانسه، بهمین سمت باقی ماند این راه حل بدست آمد. ناتمام